

بر اساس پژوهش‌های جدید؛
کومودوهای خزنده روی دریا حرکت می‌کنند



دانشمندان کشف کرده‌اند بزرگ‌ترین خزنده زنده جهان، اژدهای کومودو، قادر است مسافت‌های طولانی را روی دریا طی کند و بین جزایر جابه‌جا شود. این توانایی شگفت‌انگیز می‌تواند نگاه ما به رفتار و بقای این خزنده غول‌پیکر را تغییر دهد. به گزارش اقتصادسرآمد، اژدهای کومودو که به‌عنوان بزرگ‌ترین خزنده زنده جهان شناخته می‌شود، همواره به‌دلیل جثه عظیم، آرواره‌های قدرتمند و نیش کشنده‌اش مورد توجه پژوهشگران بوده است. اما حالا دانشمندان به ویژگی تازه‌ای از این جانور باستانی پی برده‌اند که کمتر کسی انتظارش را داشت: توانایی طی مسافت‌های طولانی روی سطح دریا برای جابه‌جایی بین جزایر.

بر اساس پژوهش‌های جدید که میل سخن منتشر کرده است: کومودوها نه‌تنها شناگران ضعیفی نیستند، بلکه می‌توانند بیش از ۱۰ کیلومتر مسیر دریایی را پشت سر بگذارند. این خزندگان غول‌پیکر با استفاده از حرکات هماهنگ دم و پا‌های قدرتمند خود، جریان‌های آبی را مدیریت کرده و بدون غرق شدن، مسیرهای آبی بین جزایر اندونزی را طی می‌کنند. این کشف اهمیت زیادی دارد؛ چراکه پیش‌تر تصور می‌شد پرانگدگی کومودوها در جزایر مختلف بیشتر نتیجه تغییرات سطح آب در دوران باستان است. اکنون مشخص شده که خود این حیوانات نقش فعالی در گسترش قلمرو زیستی‌شان داشته‌اند. توانایی عبور دریایی به آن‌ها اجازه داده منابع غذایی تازه پیدا کنند و از رقابت شدید با کمبود طعمه در یک جزیره خاص جان سالم به در ببرند. پژوهشگران همچنین معتقدند این مهارت دریانوردی، یکی از دلایل بقای موفق کومودوها در محیطی خشن و متغیر بوده است. برخلاف جثه سنگین‌شان، ساختار بدن کومودوها به آن‌ها امکان شناوری می‌دهد و دم عضلانی‌شان مانند یک پاروی طبیعی عمل می‌کند. مشاهده شده این خزندگان حتی بدون اضطراب، وارد آب می‌شوند و جهت حرکت خود را به‌خوبی کنترل می‌کنند.

این قابلیت جدید، دیدگاه دانشمندان را درباره هوش طبیعی و رفتار پیچیده کومودوها گسترش داده است. آن‌ها صرفاً شکارچیان کم‌تحرك نیستند، بلکه تصمیم‌های رفتاری آگاهانه‌ای برای بقا اتخاذ می‌کنند. حتی احتمال می‌رود این توانایی در گذشته به آن‌ها کمک کرده باشد تا در برابر تغییرات اقلیمی و نوسانات شدید محیطی دوام بیاورند. دانشن اینکه بزرگ‌ترین خزنده زنده جهان قادر به عبور از دریاست، می‌تواند در برنامه‌های حفاظت از کومودوها نیز نقش کلیدی ایفا کند. با درک بهتر مسیرهای جابه‌جایی طبیعی آن‌ها، می‌توان زیستگاه‌های امن‌تری طراحی کرد و تهدیدهای انسانی را کاهش داد.

این کشف بار دیگر نشان می‌دهد طبیعت هنوز هم رازهای شگفت‌انگیزی دارد و حتی موجوداتی که قرن‌هاست شناخته شده‌اند، می‌توانند ما را غافلگیر کنند.



سرتیبه گروه راهبردی- مرتضی فاخری – پرونده لوئوس یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های تاریخی در حقوق بین‌الملل عمومی است که اهمیت آن فراتر از یک حادثه دریایی ساده تلقی می‌شود. این پرونده در پی تصادم کشتی مسافربری فرانسوی «لوئوس» با کشتی ترک «بزکورت» در دریای آزاد در سال ۱۹۲۶ شکل گرفت و به‌دلیل کشته‌شدن چندتن از اتباع ترک، دولت ترکیه اقدام به بازداشت و محاکمه افسر فرانسوی کرد. این اقدام، اعتراض شدید فرانسه را در پی داشت و اختلاف میان دو کشور به دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی ارجاع شد. رأی صادره از سوری دیوان که به «اصل لوئوس» شهرت یافت، نقطه‌عطفی در تاریخ حقوق بین‌الملل بود؛ زیرا برای نخستین‌بار به‌طور صریح اعلام شد که دولت‌ها در عرصه بین‌المللی از آزادی عمل برخوردارند مگر آنکه قاعده‌ای صریح آنان را محدود کند. این اصل، صلاحیت قضایی دولت‌ها را در دریای آزاد به‌طور بی‌سابقه‌ای گسترش داد و زمینه‌ساز بحث‌های گسترده درخصوص حدود صلاحیت فراسرزمینی شد.

به گزارش اقتصادسرآمد، مرتضی فاخری، پژوهشگر ارشد علوم راهبردی در مطبوعه اختصاصی برای این روزنامه با نگاهی به پیشینه تاریخی و شرح واقعه لوئوس به‌عنوان حادثه‌ای که در دریاهای آزاد برای کشتی مسافربری فرانسوی به نام لوئوس اتفاق افتاده، به بررسی و تحلیل رأی دیوان دائمی دادگستری و تاثیر این رأی بر حقوق دریاها پرداخته است.

این مطلب را در ادامه می‌خوانید: اهمیت پرونده لوئوس نه‌تنها در حل اختلاف میان فرانسه و ترکیه، بلکه در تأثیرگذاری آن بر روند تدوین قواعد حقوق دریاها و شکل‌گیری نظم حقوقی معاصر نهفته است. رأی دیوان، هرچند در کوتاه‌مدت به ترکیه امکان داد تا صلاحیت قضایی خود را اعمال کند، اما در بلندمدت موجب نگرانی‌های جدی در جامعه بین‌المللی شد؛ زیرا پذیرش چنین صلاحیتی می‌توانست به تداخل و تعارض میان دولت‌ها منجر شود. همین نگرانی‌ها سبب شد که در کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۵۸ و سپس کنوانسیون حقوق دریاها، اصل لوئوس به‌طور قابل‌توجهی محدود شده و صلاحیت قضایی عمده‌تا به کشور صاحب پرچم سپرده شود. از این منظر، پرونده لوئوس همواره به‌عنوان یک نقطه مرجع تاریخی و نظری باقی مانده است و بررسی آن برای درک سیر تحول حقوق بین‌الملل و مدیریت اختلافات دریایی اهمیت ویژه‌ای دارد. این مقدمه تلاش دارد تا با مرور پیشینه و پیامدهای این پرونده، زمینه‌ای برای تحلیل جامع‌تر رأی دیوان و تأثیر آن بر حقوق دریاها فراهم سازد.

پیشینه تاریخی و شرح واقعه لوئوس

در تاریخ دوم اوت ۱۹۲۶، حادثه‌ای در دریای آزاد میان کشتی مسافربری فرانسوی «لوئوس» و کشتی ذغال‌کش ترک موسوم به «بزکورت» رخ داد که پیامدهای حقوقی و سیاسی گسترده‌ای در پی داشت. در اثر این تصادم، کشتی ترک غرق شد و چند تن از خدمه آن جان خود را از دست دادند. ورود کشتی فرانسوی به بندر قسطنطنیه، نقطه آغاز یک مناقشه جدی میان دو دولت بود؛ زیرا مقامات ترکیه افسرانگهبان فرانسوی و چند تن دیگر از اتباع فرانسه را بازداشت و محاکمه کردند. این اقدام، در نگاه فرانسه، تجاوز به صلاحیت قضایی آن کشور محسوب می‌شد و به سرعت اعتراضات شدید دیپلماتیک را برانگیخت. فرانسه بر این باور بود که تنها کشور صاحب پرچم، یعنی فرانسه، صلاحیت رسیدگی به جرایم ارتكایی در دریای آزاد را دارد و اقدام ترکیه مغایر با اصول پذیرفته‌شده حقوق بین‌الملل است. در مقابل، ترکیه استدلال می‌کرد که چون قربانیان حادثه اتباع ترک بودند، صلاحیت قضایی برای رسیدگی به موضوع را داراست و نمی‌توان این حق را از آن

«سرآمد» بررسی کرد؛

اصل «لوئوس» بر حقوق بین‌الملل عمومی در دریا

تحلیل رأی دیوان دائمی دادگستری در قضیه لوئوس در حقوق دریاها

رأی دیوان و اصل لوئوس (Lotus Principle)

رأی دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه لوئوس در سال ۱۹۲۷ نقطه‌عطفی در تاریخ حقوق بین‌الملل عمومی به‌شمار می‌رود. دیوان در بررسی اختلاف میان فرانسه و ترکیه با این پرسش بنیادین مواجه شد که آیا ترکیه صلاحیت قضایی برای محاکمه افسر فرانسوی کشتی لوئوس را دارد یا خیر. استدلال فرانسه مبتنی بر صلاحیت انحصاری کشور صاحب پرچم در دریای آزاد بود، در حالی‌که ترکیه بر صلاحیت ناشی از تابعیت قربانیان حادثه تأکید داشت. دیوان با اکثریت آرا اعلام کرد که هیچ قاعده صریحی در حقوق بین‌الملل وجود ندارد که مانع اعمال صلاحیت ترکیه شود و بنابراین اقدام آن کشور مغایر حقوق بین‌الملل نیست. منطق حقوقی دیوان بر این اصل استوار بود که در عرصه بین‌المللی، دولت‌ها از آزادی عمل برخوردارند مگر آنکه قاعده‌ای صریح آنان را محدود کند. این رأی که بعدها به «اصل لوئوس» شهرت یافت، صلاحیت قضایی دولت‌ها را در دریای آزاد به‌طور بی‌سابقه‌ای گسترش داده و نشان داد که در نبود قواعد مدون، تفسیر موسع از صلاحیت می‌تواند مبنای مشروعیت اقدامات دولت‌ها قرار گیرد. تثبیت اصل «آنچه ممنوع نیست، مجاز است» در این رأی، به‌عنوان یک قاعده بنیادین، تأثیر عمیقی بر رویه‌های حقوقی و قضایی بعدی گذاشت، به‌ویژه در مباحث مربوط به حقوق دریاها و صلاحیت فراسرزمینی دولت‌ها که مورد توجه قرار گرفت.

با وجود اهمیت تاریخی رأی لوئوس، این اصل بسا نقدها و مخالفت‌های جدی از سوری حقوق‌دانان و دولت‌ها مواجه شد. بسیاری از منتقدان بر این باور بودند که اصل لوئوس بیش از حد به دولت‌ها آزادی عمل می‌دهد و می‌تواند به بی‌ثباتی در نظم بین‌المللی منجر شود؛ زیرا در صورت نبود قواعد صریح، هر دولتی می‌تواند صلاحیت قضایی خود را به‌طور گسترده اعمال کند. این نگرانی‌ها به‌ویژه در حوزه دریای آزاد که نیازمند نظم و هماهنگی بین‌المللی است، اهمیت بیشتری داشت. برخی حقوق‌دانان تأکید کردند که رأی دیوان با روح همکاری و محدود‌سازی صلاحیت‌های فراسرزمینی در تضاد است و می‌تواند زمینه‌ساز تعارضات بیشتر میان دولت‌ها شود. همین انتقادات موجب شد که در کنوانسیون‌های بعدی حقوق دریاها، از جمله کنوانسیون ژنو ۱۹۵۸ و کنوانسیون حقوق دریاها، صلاحیت قضایی عمده‌تا به کشور صاحب پرچم محدود شود و اصل لوئوس عملاً تعدیل شود. بنابراین، هرچند رأی دیوان در قضیه لوئوس به‌عنوان یک نقطه مرجع تاریخی و نظری باقی مانده است، اما تجربه عملی نشان داد که برای حفظ نظم و ثبات در دریای آزاد، نیاز به قواعد محدودکننده و الزام‌آور وجود دارد. این تحول بیانگر آن است که حقوق بین‌الملل نه‌تنها محصول آرای قضایی، بلکه نتیجه تعامل میان نظریه‌های حقوقی، نیازهای عملی دولت‌ها و الزامات همکاری بین‌المللی است.

تأثیر رأی لوئوس بر حقوق دریاها

رأی دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه لوئوس تأثیری عمیق و ماندگار بر حقوق دریاها بر جای گذاشت و به‌عنوان یکی از نقاط عطف در تاریخ حقوق بین‌الملل شناخته می‌شود. این رأی با تثبیت اصل «آنچه ممنوع نیست، مجاز است» عملاً صلاحیت قضایی دولت‌ها را در دریای آزاد گسترش داد و به کشورها اجازه داد تا در صورت نبود قاعده صریح محدودکننده، صلاحیت خود را اعمال کنند. پیامد مستقیم این رویکرد آن بود که دولت‌ها می‌توانستند در مواردی که اتباع یا منافع‌شان در دریای آزاد آسیب می‌دید، صلاحیت قضایی خود را اعمال کنند، حتی اگر حادثه در خارج از قلمرو سرزمینی آنان رخ داده باشد. این برداشت موسع از صلاحیت، هرچند در کوتاه‌مدت به ترکیه امکان داد تا افسر فرانسوی را محاکمه کند، اما در بلندمدت موجب نگرانی‌های جدی در جامعه بین‌المللی شد؛ زیرا پذیرش چنین صلاحیتی می‌توانست به تداخل صلاحیت‌های متعدد و ایجاد بی‌ثباتی در نظم حقوقی دریای آزاد منجر شود. از این منظر، رأی لوئوس نه‌تنها یک اختلاف خاص را حل کرد، بلکه خلأهای حقوقی موجود در نظام بین‌الملل را آشکار ساخت و ضرورت تدوین قواعد دقیق‌تر

نتیجه‌گیری و چشم‌انداز آینده

پرونده لوئوس در تاریخ حقوق بین‌الملل جایگاهی منحصر‌به‌فرد دارد و به‌عنوان یکی از نخستین نمونه‌های جدی در زمینه تفسیر صلاحیت قضایی دولت‌ها در دریای آزاد شناخته می‌شود. این پرونده نشان داد که در نبود قواعد صریح و مدون، دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی با رویکردی مبتنی بر آزادی عمل دولت‌ها وارد عمل شد و اصل «آنچه ممنوع نیست، مجاز است» را به‌عنوان مبنای حقوقی تثبیت کرد. جایگاه این پرونده نه‌تنها در حل اختلاف میان فرانسه و ترکیه، بلکه در ایجاد یک نقطه مرجع نظری برای حقوق‌دانان و دولت‌ها اهمیت دارد. درس مهمی که از این واقعه می‌توان آموخت آن است که حوادث دریایی، به‌دلیل ماهیت فراملی و پیچیدگی‌های ناشی از حضور اتباع و منافع چندین کشور، نیازمند قواعد روشن و الزام‌آور هستند تا از بروز اختلافات گسترده جلوگیری شود. پرونده لوئوس به‌خوبی نشان داد که اتکای صرف به اصول کلی و عرفی حقوق بین‌الملل نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای عملی دولت‌ها در عرصه دریایی باشد و همین امر ضرورت تدوین کنوانسیون‌های جامع‌تر را برجسته ساخت. از این منظر، لوئوس نه‌تنها یک پرونده قضایی، بلکه نقطه آغاز تحول در حقوق دریاها و صلاحیت قضایی دولت‌ها محسوب می‌شود. چشم‌انداز آینده حقوق دریاها و دیپلماسی دریایی نیز تا حد زیادی تحت تأثیر تجربه لوئوس شکل گرفته است. امروزه رویه‌های قضایی بین‌المللی و دیپلماسی دریایی بر مبنای همکاری و هماهنگی میان دولت‌ها استوار است و تلاش می‌شود تا صلاحیت‌ها به‌گونه‌ای تعریف شوند که از تداخل و تعارض جلوگیری شود. کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۵۸ و به‌ویژه کنوانسیون حقوق دریاها نمونه بارز این تحول هستند که با محدود‌سازی اصل لوئوس، صلاحیت قضایی را عمده‌تا به کشور صاحب پرچم سپردند و نظم حقوقی دریای آزاد را تقویت کردند. در عین حال، پرونده لوئوس همچنان به‌عنوان یک مرجع تاریخی در مباحث حقوقی و آموزشی مطرح است و یادآور می‌شود که فقدان قواعد صریح می‌تواند به اختلافات جدی میان دولت‌ها منجر شود. در چشم‌انداز آینده، مدیریت اختلافات دریایی نیازمند ترکیبی از قواعد الزام‌آور، سازوکارهای قضایی کارآمد و دیپلماسی فعال خواهد بود تا از بروز بحران‌های مشابه جلوگیری شود. بدین ترتیب، پرونده لوئوس نه‌تنها در گذشته نقش آفرین بوده، بلکه همچنان در شکل‌دهی به آینده حقوق بین‌الملل و دیپلماسی دریایی جایگاهی محوری دارد و به‌عنوان یک تجربه تاریخی، راهنمایی ارزشمند برای مدیریت اختلافات و ارتقای همکاری‌های بین‌المللی در عرصه دریاها محسوب می‌شود.

بدون شرح



عکس: اصغر بشارتی

بدون شرح...



فریبا عیزلی - اقتصاد سرآمد